



ارتقای آموزش هنر؛

گفت‌و شنودی با مدرسان هنر رویکردها و برنامه‌ها

فاطمه خره‌قانیان |



اشاره

مشخص، جلسه‌ی امروز ما يك میزگرد تخصصی در خصوص ارتقای آموزش معلمان هنر است. بدیهی است که سروران این حق را دارند که از زاویه‌ی خودشان به موضوع نگاه کنند. فکر می‌کنم اگر پیوند خوبی بین بحث پایان‌نامه‌های هنری با موضوع نشست برقرار شود، طبیعه‌ی خوبی باشد.

تأکید می‌کنم که در جریان هنر اتفاقی نمی‌افتد، مگر این‌که پژوهش هنر جان بگیرد. باید موضوع پایان‌نامه را در مرکز جدی بگیریم. چون پایان‌نامه‌ای که مؤلفش کار عملی هنر را به خوبی درک نکرده باشد، روحی نخواهد داشت. از طرف دیگر، از يك معلم یا مدرس و یا دانشجوی هنر می‌خواهیم مقاله بنویسد. می‌بینم که این کار دشواری‌های خاص خودش را دارد. این جلسه را همکاران بزرگوارمان يك فرصت تلقی کنند

به هر صورت، مرکز شهید شرافت مرکز تخصصی آموزش رسمی هنر است و در چهار گوشه‌ی کشور، این مرکز را می‌شناسند دانشجویانی که فارغ التحصیل می‌شوند، بلافاصله بر می‌گردند. یعنی در مرحله‌ی لیسانس و فوق‌لیسانس پذیرفته می‌شوند، لذا اگر ما بگوییم که بدنه‌ی معلمان هنر آموزش و پرورش را، به نوعی مرکز شهید شرافت شکل می‌دهد سخن

نزدیک به سه دهه است که مرکز تربیت معلم شهید شرافت مسئولیت آموزش و تعلیم دانشجویان رشته‌ی هنر و در نهایت تأمین نیروی انسانی دبیران آموزشی و پرورشی را در تهران برعهده دارد. مجله‌ی رشد آموزش هنر، طی برگزاری میزگردی با عنوان «چگونگی ارتقای آموزش هنر» در این مرکز، دیدگاه‌های مدرسان این حوزه را در خصوص مشکلات، ضعف‌ها و کاستی‌های موجود دریافت کرده است و آن‌ها را در اختیار خوانندگان مجله قرار می‌دهد. به اعتقاد مدرسان هنر، انتقادات و پیشنهادات فراوان گفته شده است، اما ارتقای آموزشی هنر امروز نیازمند بازنگری در سیاست‌ها، رویکرد، برنامه‌ریزی جدید، هدف‌گذاری و... است.

■ تیموری: بسم الله الرحمن الرحيم. با استعانت از خداوند بزرگ و با تشکر از سروران ارجمند و استادان گرامی، هنگامی که وظیفه‌ی خدمت‌گزاری در مجله‌ی رشد هنر را پیدا کردم، خیلی علاقه‌مند بودم که اولین کار تألیفی برای مجله از طریق «مرکز شهید شرافت» صورت بگیرد که کار آموزش رسمی هنر را در سی سال گذشته به صورت تخصصی انجام می‌دهد. به طور

گرافی نیست.

مهم این است که ما قدر و منزلت خودمان را در نردبان آموزش هنر، آن طور که شایسته است بشناسیم و رشد و ارتقای هنر را یک فرصت تلقی کنیم. اما می‌خواهم بگویم که ما باید ارتباطی بین مجله رشد هنر که یک تریبون است، با آموزش هنر و مدرسان هنر و مراکز تعلیم هنری به وجود بیاوریم و با این محور شروع کنیم که: راه‌های ارتقای معلمان چیست؟ ما چه طور می‌توانیم به تخیل هنری دامن بزنیم؟ چه طور می‌توانیم معلم محبوب هنر تربیت کنیم؟

الان در تعلیم و تربیت پیشرو، درس‌های هنر و انشا را مواد «فرا درسی» می‌دانند؛ یعنی نه ریاضی است و نه فیزیک و نه شیمی، بلکه برتر از مواد درسی است.

این درس‌ها باید در ساعات غیردرسی و اوقات فراغت دنبال شوند. من

داشتم فکر می‌کردم، کودکانی

که در مراکز تربیتی نگاه‌داری

می‌شوند - کانون‌های

اصلاح و تربیت - اگر با

مقوله‌ی هنر آشنا بودند،

خیلی از آن‌ها به ضایعه‌ی

اجتماعی تبدیل نشده

بودند. هر کدام از شما

بزرگواران این تجربه را دارید

که هنر برای ما چه خلأیی از

زندگی اجتماعی را پر کرده است که

این قدر به آن پای بند هستیم و احترام می‌گذاریم و

الان به عنوان مروجش کار می‌کنیم. امیدوارم که این

میزگرد طلوع‌ای خوب برای کار مجله باشد.

خواهش من این است که اگر دیدگاهی

در زمینه‌ی ارتقای آموزش هنر

دارید طرح‌بفرمایید.

لغو مأموریت تحصیلی، مشکلی برای دانشجوی

■ خانم زهرا طلوع

شریفی، مدرس صنایع دستی:

یکی از مشکلات دانشجویان

لغو مأموریت تحصیلی آن‌هاست.

دانشجویان یا معمولاً در محل زندگی

خود اشتغال دارند و یا متأهل

هستند. آن‌ها مجبورند دو

سه روز به تهران بیایند و

بازگردند و مدت زمانی

طولانی را در ایاب و

ذهاب سپری کنند. این

قضیه برای ما و آن‌ها

مشکل ایجاد کرده است.

■ خانم طاهره یزدی،

مدرس سفال:

در ارتباط با پروژه‌های دانشجویی

باید بگویم، پروژه ارائه‌ی ماحصل آن چیزی است که

دانشجو در طول این سال‌ها آموخته است و ما نباید

و نمی‌توانیم آن را دست کم بگیریم. فکر می‌کنم برای

تعمیق محتوای پروژه‌های دانشجویی باید اهمیت

بیشتری قائل شد. مریبان باید سطح تقاضا و مطالبه‌ی

خود را از دانشجو بالا ببرند، تا او خود را موظف به

ارائه‌ی کار با کیفیت کند.

مطالبه‌ی توجه بیشتر به معلمان هنر

■ فاطمه پناهیان‌پور، مدرس تذهیب، مینیاتور،

طراحی و هندسه سرنقوش

ما سال‌ها این‌جا کار کرده‌ایم. بارها درباره‌ی

مشکلات دانشجویان و بهبود شرایط تحصیل آن‌ها سخن

گفته‌ایم. اما هیچ‌گاه مشکل مدرس را مطرح نکرده‌ایم.

در حقیقت، آن قدر در مشکلات دانشجوی حل شده‌ایم

که خودمان را فراموش کرده‌ایم. گاهی برخی از افرادی

که در اداره مسئولیت دارند، می‌گویند ارزش دانشجویی

شما بیش از شماست. اما هرگز تصور نمی‌کنند استادی

که سال‌ها زحمت کشیده و ساعت‌ها تا صبح مطالعه

و کار کرده هم دارای ارزشی است و باید به مشکلات

و خواسته‌هایش بها داد. به مشکلات کاری و اداری

مدرسان و حتی دروسی که به آن‌ها می‌دهند، توجهی

نمی‌شود. در این میان، اهمیت ندادن به مدرس هنر بیش

از سایر استادان به چشم می‌آید. از ما که گذشت، اما

بیاید کمی به خودمان اهمیت بدیم و بیشتر توجه



کنیم. امیدوارم روزی برسد که این مسئولان در ادارات هم بیش از گذشته برای معلمان هنر و مشکلاتشان اهمیت قائل شوند.

■ فرحناز حسنی، مدرس خوشنویسی:

کار هنر، کاری تخصصی و نیازمند تمرین و کار زیاد است. اگر بخواهم درباره‌ی خوشنویسی به طور خاص صحبت کنم، باید بگویم که متأسفانه برای ارتقای مدرک تحصیلی خوش‌نویس دانشگاه وجود ندارد؛ حتی برای دوره‌ی کارشناسی ارشد! اگر کسی بخواهد در این رشته پیشرفت کند، تنها می‌تواند به انجمن خوش‌نویسان مراجعه کند و درجات را طی کند. مدرک نهایی، درجه‌ی ممتازی است. اما انتظار هنرمندی که سال‌ها زحمت می‌کشد، این است که مدرک دانشگاهی بگیرد.

انتظار دیگران از مدرس هم، داشتن مدرک دانشگاهی است. وقتی می‌بینند که مدرس خوش‌نویس مدرک ندارد، به او اهمیت چندانی نمی‌دهند. تخصصش رانادیده‌می‌گیرند.

بحث دکترای هنر هم مطرح است. رشته‌های مثل گرافیک و نگارگری دکترا ندارند و واقعا این یک مشکل است. خانم حسنی می‌گویند مدرسینی که در تربیت معلم هستند، باید نصف ساعت در مراکز تربیت معلم مشغول باشند و نصف ساعت را به مناطق بروند. گاهی ساعات ما در مراکز پر نمی‌شود و همه‌ی این مشکلات از آن‌جا ناشی می‌شود که ما این رشته را به صورت آکادمیک نداریم.

■ اکرم حافظیان، مسئول مرکز شهید شرافت:

در مراکز تربیت معلم قانون این است که بر اساس تعداد معینی از دانشجویان، استاد داشته باشیم، چون ما دبیر آموزش و پرورش و معلم فعال محسوب می‌شویم. لذا اگر ساعات درسی پر نشوند، استادان به عنوان معلم همکاری می‌کنند. البته معمولاً این اتفاق برای رشته هنر نمی‌افتد. چون نیروهای ما در این رشته‌ی کم هستند، معمولاً ساعات تدریس استادان پر است و ما حتی برایشان اضافه تدریس می‌گذاریم. بنابراین کم اتفاق می‌افتد که استاد ساعات موظفش پر نشود.

در خصوص اهمیت دادن به مدارک هنر که مطرح کردند، من فکر می‌کنم که ما همیشه به این مدرک اهمیت داده‌ایم. از استادان درخواست کرده‌ایم که اگر مدرک پایینی دارند، آن را بالا ببرند. درست است که در دانشگاه این رشته وجود ندارد، اما استادان می‌توانند با کامل کردن توانایی‌های خود و طی مراحل ارزشیابی مدرکشان را بالا ببرند.

کلاس درس هنر با نیروی غیرمتخصص پر می‌شود!

■ فاطمه مرادی، مدرس رشته هنر:

از مهم‌ترین معضلات موجود در ارتقای درس هنر و دوره‌ی راهنمایی تحصیلی می‌توانم به این موارد اشاره کنم

- عدم پذیرش دانشجوی متعهد و علاقه‌مند در مراکز تربیت‌معلم
- کمبود معلم متخصص هنر در مدارس راهنمایی: به عنوان نمونه بیش از ۱۰ سال است که شهر تهران سهمیه‌ای برای معلم هنر اعلام نکرده است و ۹۰ درصد مدارس تهران کلاس درس هنر را با نیروی غیر متخصص این‌درس‌پر کرده‌اند.

● کم بودن ساعات درسی هنر در مدارس: این موضوع موجب هرز رفتن استعداد و خلاقیت دانش‌آموزان در

این دوره‌ی مهم سنی شده است. کما این‌که بسیاری از دانش‌آموزان

مستعد، به دلیل عدم هدایت صحیح، به رشته‌های دیگر جذب شده‌اند. لازم به ذکر است که هم اکنون در پایه‌های دوم و سوم راهنمایی تنها ۴۵ دقیقه به درس هنر اختصاص دارد که آن هم در صورت وجود معلم آگاه و توانا در مدرسه، به‌درستی اجرامی‌شود.



امروزه
در تعلیم و
تربیت پیشرو،
درس‌های هنر
و انشا را مواد
«فرا درسی»
می‌دانند؛ یعنی
نه ریاضی
است و نه
فیزیک و نه
شیمی، بلکه
برتر از مواد
درسی است

● لغو مأموریت تحصیلی دانشجو معلمان دوره‌ی کارشناسی: این موضوع باعث افت شدید سطح علمی این دوره شده است. در نتیجه مطمئناً در آینده باید شاهد معلمانی با دانش کمتر در مدارس باشیم.

● عدم پذیرش واحدهای گذرانده شده در مراکز تربیت معلم توسط دانشگاه‌های سراسری: متأسفانه در حال حاضر تنها ۱۳ واحد از واحدهای عمومی گذرانده شده‌ی دوره‌ی فوق دیپلم در دانشگاه‌های سراسری پذیرفته می‌شود و هیچ واحد تخصصی را نمی‌پذیرند.

پیشنهاداتی که برای حل این مشکل به ذهنم می‌رسند، از این قرارند:

● در نظر گرفتن سهمیه‌ای برای معلمان هنر در استخدام‌های جدید آموزش و پرورش: با توجه به استخدام ۴۰ تا ۶۰ هزار نیروی جدید در آموزش و پرورش، جای آن دارد که درصدی از این سهمیه به استخدام معلم متخصص هنر اختصاص یابد.

● افزایش ساعات تدریس هنر در پایه‌های دوم و سوم راهنمایی به حداقل ۱/۵ ساعت در هفته.

● برگزاری آزمون‌های مناسب و صحیح برای استخدام نیروهای مستعد هنر در آموزش و پرورش.

● نظرخواهی مستمر از استادان رشته‌ی هنر در مراکز تربیت معلم، در تدوین برنامه‌های آموزشی و کتاب‌های درسی.

● بیگانه بودن اغلب استادانی که اکنون در تدوین برنامه‌ها و کتاب‌ها دخیل هستند، با تدریس در مراکز و با فضای تربیت معلم. یا در مراکز تدریس نکرده‌اند و یا از زمان تدریس آن‌ها سال‌ها می‌گذرد. یعنی باید گفت اندیشه‌های خود را به روز نکرده‌اند؛ کما این‌که حدود ۱۸ سال است که کتاب هنر در دوره‌ی راهنمایی تغییر نکرده است.

فقدان حضور مدرسین هنر در تألیف کتاب درسی

■ خانم حاجی‌لو،

مدرس:

یکی از مشکلات این است که دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی در این رشته تدریس



نمی‌کنند

چون این فرهنگ در نظام آموزش ما جا نیفتاده است که هنر، مدرس مخصوص خودش را می‌خواهد. این همه کتاب هنری تدوین می‌شود، اما شما ببینید چند نفر از مدرسان هنر در تدوین کتاب‌ها دخیل هستند؟! الان در تمام دوره‌ها از استادانی استفاده می‌شود که از دانش‌آموزان اطلاع کافی ندارند، اما متأسفانه از مدرس استفاده نمی‌شود. این در حالی است که مدرس به خوبی می‌داند که معلم در کلاس درس به چه چیزهایی نیاز دارد.

■ مهران قلعه‌دار، مدرس نقاشی و

پژوهش‌هنر:

يك مشکل اساسی، وضعیت نامعلوم تربیت معلم است که هم‌چون يك بیماری مزمن، مدتی قدرت می‌گیرد و مدتی به افول می‌رود. به‌دست دادن يك سیاست مشخص و برنامه‌ریزی فعال در این مورد ضروری است.

مسئله‌ی بعدی نبود ارتباط کافی

مراکز گوناگون با یکدیگر است؛ مراکز تربیت معلم با مراکز مثل سازمان پژوهش که برای مثال، چاپ کتاب را بر عهده دارد نباید مثل جزیره‌های مجزا عمل کنند. اگر میان آن‌ها ارتباط‌ها برقرار شود و نوعی هم‌کاری و هم‌اندیشی شکل بگیرد، وضعیت بهتر خواهد شد.

نکته‌ی آخر این‌که تحقیقات دانشجوی تربیت معلم باید کاربردی باشد و در کلاس درس مورد استفاده قرارگیرد.

■ جواد صادقی‌تهرانی، مدرس خوش‌نویس:

امیدوارم به صحبت‌ها و پیشنهادات جامه‌ی عمل



**يك مشكل
اساسی، وضعیت
نامعلوم تربیت
معلم است که
هم چون يك
بیماری مزمن،
مدتی قدرت
می‌گیرد و مدتی
به افول می‌رود.
به دست دادن يك
سیاست مشخص
و برنامه‌ریزی
فعال در این مورد
ضروری است**

ملاقات با آقای محمدیان، چنین ملاقاتی مدنظر است و در حال پی‌گیری هستیم که ان‌شاءالله محقق شود.

کم‌اعتنایی مسئولان به درس هنر، معضل دیروز، امروز و...؟

■ **خان:** عمده مشکل ما این است که مسئولان رده بالا به هنر اهمیت نمی‌دهند. آن‌ها چنین دیدی ندارند که با هنر می‌توان به پیشرفت‌های بیشتری دست پیدا کرد. مطلع نیستند که هنر زمینه‌ساز شکوفایی بسیاری از استعدادها، خلاقیت‌ها و سلامت روان می‌تواند باشد. در مطالعاتی که من در يك منطقه انجام دادم، دریافتیم تنها چهاردرصد از معلمان آن منطقه، در رشته‌ی هنر تحصیل کرده‌اند و بقیه افرادی از رشته‌های دیگر هستند که هنر تدریس می‌کنند. این آمار از وضعیت فعلی ما در عرصه‌ی هنر حکایت دارد. ضروری است. از سطوح بالا به آموزش هنر بهای بیشتری بدهند، زیرا در آن صورت برگزاری این جلسات مفید خواهد بود. ما می‌بینیم که اگر در جایی هنر پر و بال یافته، مسئولش دید هنری داشته است. امیدوارم بتوانیم در سطح بالا با مسئولین مشارکت داشته باشیم تا مسائل حل شوند.



علی اصغر خانسی

■ ایمان زاده، مدرس رشته‌ی هنر:

عدم ارتباط بین تدوینگران کتاب‌ها، بزرگ‌ترین مشکل است. ما در يك پایان‌نامه، سرفصل‌های کتاب مدارس را در کنار سرفصل‌های دانشگاه گذاشتیم و نتیجه این شد که بعضی از سرفصل‌های دانشگاهی، اصلاً در کتاب‌های مدارس وجود ندارند. لذا لازم است که ارتباطی میان این دو برقرار شود یا حداقل آن‌که موضوع مورد مطالعه بیشتری قرار گیرد.



پوشانده شود و ما شاهد بازخورد چنین جلساتی باشیم. فکر می‌کنم، برنامه‌ریزی‌های صحیح و عملی، عامل ارتقای هنر است. تا زمانی که برنامه‌ریزی‌ها به شیوه‌ی صحیح انجام نگیرند، ما هیچ‌گونه ارتقای چشم‌گیری نخواهیم داشت. البته برنامه‌ریزی صحیح منوط به بحث و گفت‌وگوی مدام است، زیرا همواره سؤال‌هایی هستند که به آن‌ها پاسخ داده نشده است؛ مثل:

- آیا محیط کلاس‌ها همان محیطی است که دانشجو می‌خواهد؟
- آیا پذیرش دانشجویان از میان افراد نخبه صورت می‌گیرد؟
- آیا در کلاس، اشتیاق لازم در دانشجو ایجاد می‌شود؟

و بسیاری سؤالات این چینی که نیازمند بررسی هستند.

کم توجهی به هنرهای ملی در تألیف کتاب درسی هنر!

■ حسن حسین‌نژاد، مدرس خوش‌نویسی:

کسانی هستند که به هنرهای ملی ما، مثل نگارگری، مینیاتور و خوش‌نویسی و مانند آن‌ها، علاقه‌ای ندارند و این‌گونه، در تألیف کتاب‌های درسی هنر، به هنرهای ملی ما بی‌توجهی می‌شود. امیدوارم ترتیب ملاقاتی با آقای دکتر محمدیان داده شود تا مباحث را در حضور ایشان مطرح کنیم.

نکته‌ی بعد این است که در گوشه و کنار کشور به درس هنر در مدارس بها داده نمی‌شود. لذا دانشجویان هنر بسیار بی‌انگیزه‌اند. گاهی اوقات مسئولان نسبت به بعضی مسائل تخصصی هنر توجهی نیستند و اگر آن‌ها کم اطلاع باشند، ضررش متوجه استاد و دانشجوست.

■ **تیموری:** پیش‌نویس اولیه‌ی برنامه‌ی درسی ملی هنر، به بررسی همه جانبه نیاز دارد تا از اشکالات و تناقضات آن کاسته شود و کسانی که آن را طراحی می‌کنند، مطلع شوند. در خصوص

دکتر حسن حسین‌نژاد



انگیزه در آن‌ها شود. در این صورت حداقل سعی می‌کنند بیشتر فیگور هنری بگیرند و نوعی احساس رقابت به وجود می‌آید. در مورد لذت از هنر بالاخره معلم باید آن قدر انعطاف‌پذیر باشد و با خلاقیت کار کند که بتواند نسبت به شرایط، امکانات و محیط، کار خود را به نحو مطلوب انجام دهد. این موارد زمینه‌ساز علاقه و لذت است.

ارتقای دانش هنری معلمان مسبب ارتقای آموزش هنر

■ حمید قاسم‌زادگان، مدرس هنرهای نمایشی و

ادبیات:

در خصوص هنر دو نگاه وجود دارد: یکی هنر

برای هنر، و دیگری هنر برای مردم. آموزش

و پرورش. می‌گویند هنر در ارتقای

روحي و شکوفایی استعدادها

فرد مؤثر است. در حقیقت

در تربیت بدنی، بچه‌ها

قوای جسمانی خود را

ارتقا می‌دهند و در هنر با

استعدادهای خودشان آشنا

می‌شوند.

در خصوص ارتقای هنر

که مطرح شد، اعتقاد من این

است که هنر باید به جایگاهی برسد

که معلم علوم هم بتواند در مورد آن نظر بدهد.

یعنی آشنایی و انس با هنر توسعه یابد و دید هنری

در افراد متولد شود. در این راستا می‌باید:

۱. در مدارس در زمینه‌ی اهمیت هنر فرهنگ

سازی شود؛

۲. کتاب‌های هنر به روز شوند؛

۳. در گزینش دانشجویان هنر دقت بیشتری اعمال

شود؛

۴. به فناوری آموزشی اهمیت بیشتری بدهند؛

۵. آموزش ضمن خدمت استادان جدی گرفته

شود.

در ضمن لازم است به طراحی و چاپ مجله‌ی

رشد و تولیدات انتشارات مدرسه اهمیت بیشتری

بدهند. توجه به نقد و نظر دانشجویان در مورد

مجله‌ی «رشد آموزش هنر» و به کارگیری آن در مجله

لزوم بازنگری در روش‌های

تدریس نکته‌ی مهم دیگری است

که باید به آن توجه شود. ما

باید بین مدرس هنر و مدرس

روش تدریس تفاوت قائل

شویم؛ چرا که برای تدریس

هنر، شیوه و روش‌های

خاصی وجود دارد که باید

در قالب هنر گنجانده شود.

می‌دانیم که دوره‌ی راهنمایی

تحصیلی، دوره‌ی آشنایی با هنر

است. آیا ما در این دوره به محصول

می‌اندیشیم یا مایلیم در حیطه‌ی شناختی کار

کنیم؟ این دوره، دوره‌ای پایه‌ای است و لذا باید دید که

می‌خواهیم کدام حیطه مدنظر باشد.

■ **توفیقی:** در مدارس دیده می‌شود که مدیران

در زمینه‌ی هنر تخصص و شناخت لازم را ندارند. این

موضوع عاملی برای مهجور ماندن هنر شده است. شما

ببینید، کدام مدرسه‌ها زنگ تخصصی هنر دارند؟ آیا

مربی که خود هنر تدریس می‌کند، شناخت هنری دارد؟

اگر مدیران در زمینه‌ی هنر تخصص کافی داشتند، درس

هنر تا این حد موردکم‌توجهی قرار نمی‌گرفت.

■ **شهرام عظیمی، مدرس گرافیک و طراحی:**

به نظر من نگرش دانشجویان به عنوان دانشجویان

هنر باید عوض شود. اگر آن‌ها به دوران تحصیلی خود

با دید دانشجوی هنر بنگرند، قطعاً با جدیت بیشتری با

آن مواجه خواهند شد. اگر دانشجو به خود هنر اهمیت

دهد نه این‌که صرفاً يك سلسله کلاس‌های

ضمن خدمت را بگذراند، قطعاً

در آینده روی دانش‌آموزان

و محیط اطراف اثرگذار

خواهد بود و می‌تواند

نگرش اطرافیان را نسبت

به هنر تغییر دهد.

■ **تیموری:** ما چه

کنیم که معلمان هنر هم

از هنر خود لذت ببرند؟

دانشجویان باید خود را

در فضای هنری کشور حاضر

بدانند، تا این حضور باعث ایجاد



حمید قاسم‌زادگان



شهرام عظیمی

ضروری است.



■ دکتر سیاوش قندی،
هئیت علمی مؤسسه‌ی
سوره:

من در ۱۸ دانشکده در رشته‌های هنر تدریس داشته‌ام که چهار دانشکده‌ی آن مربوط به آموزش و پرورش بوده است. لذا با وضعیت آموزش و پرورش به طور غیرمستقیم ارتباط داشته‌ام. به نظر می‌آید در دانشکده‌های هنر، کارهای پژوهشی اندکی صورت می‌گیرد و چشم‌گیر نیست. اگر ما بخواهیم در دانشگاه فقط آموزش بدیم، دیگر تفاوتی با دبیرستان نخواهد داشت. این دانشکده‌ها باید معاونت پژوهشی داشته باشند و این مهم را از برنامه‌های جدی خود تلقی کنند. متأسفانه گاه در دانشگاه مشاهده می‌شود، بعضی از استادان حتی جزوه‌های درسی ندارند. این نقطه ضعف است. فکر می‌کنم لازم است در رشد آموزش هنر، مقالات به روز علمی هنر را چاپ کنند و نیاز معلمان را به آموزش پاسخ‌گویند.

■ بابائیان مدرس، گرافیک و روش تدریس هنر

بحث تقویت دقت و پویایی ذهن در دو مقوله‌ی ورزش و هنر گنجانده می‌شود. انشا هم نوعی هنر است؛ هنر ادبیات. اگر این بحث در آموزش و پرورش نهادینه شود، طبعاً ساعت هنر بیشتر می‌شود. با افزایش منطقی ساعت هنر، به درس هنر بهای بیشتری داده خواهد شد و کادر زبده به سمت مدارس روانه می‌شود. در حقیقت، برای شکوفایی آموزش هنر، يك زنجیره‌ی پشت سرهم از شرایط وجود دارد که باید به دنبال هم مهیا شوند. هنوز هنر را به عنوان يك موضوع فرادرس



نپذیرفته‌اند و بستر رشد آن در مدارس فراهم نیست. با این شرایط، وقتی معلم به مدرسه می‌رود و برخی از مشکلات را می‌بیند، روی انگیزه‌اش تأثیر می‌گذارد. مشکل دوم که به ذهن من می‌آید، پایین بودن کیفیت خط تحریری در کتاب‌های درسی است. آیا بضاعت خط تحریر ما در فارسی اول دبستان، همین بخوانیم و بنویسیم است! به طور حتم با طراحی و اجرای بهتر به ارتقای این خط می‌توان کمک کرد.

■ مسیح جهرمی، معاون آموزشی، فرهنگی مرکز:

امسال در کنکور کارشناسی ناپیوسته، به اکثر استان‌ها رشته‌ی هنر داده شده است. این در حالی است که استان‌ها هیچ‌گونه امکانات آموزش هنر ندارند. خیلی از مراکز تربیت معلم کشور نمی‌توانند از نظر تخصصی دانشجویان را پوشش دهند. قبلاً در سه شهر مرکز هنر وجود داشت: اصفهان، مشهد و تهران. گاهی هم تبریز. اما الان ۳۰ مرکز برای اولین بار دانشجوی هنر پذیرفته‌اند. این موضوع به صورت مشکل در یکی دو دوره‌ی بعد خودش را نشان می‌دهد. تربیت دبیر هنر مرکز تخصصی می‌خواهد.

■ تیموری: مجله‌ی رشد آموزش هنر؛ خانه‌ی ثانی مدرس هنر است. با وجود مشکلات پیش‌گفته، همه‌ی همکارانی که این‌جا هستند، در زمره‌ی هنرمندان و مدرسانی‌اند که از این روزنه وارد فضای تعلیم و تربیت شده‌اند و بحمدالله افراد اثرگذاری هستند. در ارتباط با ابعاد نظری کار خواهیم این است که دوستان قلم بزنند. ما می‌توانیم در مجله صفحاتی را به پایان‌نامه‌ها اختصاص دهیم، زمینه‌اش برای طرح مباحث مهیاست. استادی می‌گفت: اگر کسی می‌خواهد يك سطر از او در تاریخ بماند، باید ۴۰ سال کار کند. و ما نیاز داریم که به مباحث نقد و نظر دامن بزنیم. انگیزه‌ی اصلی ما پیشرفت جریان آموزش هنر در نظام تعلیم و تربیت است.



هنوز هنر
را به عنوان
يك موضوع
فرادرس
نپذیرفته‌اند
و بستر رشد
آن در مدارس
فراهم نیست